

مقاله مهندسی بازرگان در مورد روضه خوانی و کامنت‌های قابل تأمل خوانندگان

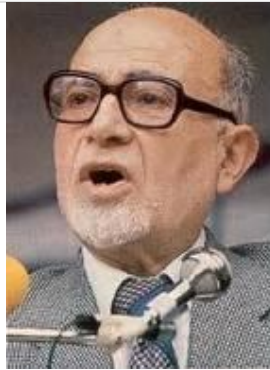
سایت «آینده نیوز» در تاریخ 26 آذرماه 1389 و همزمان با تاسوعا و عاشورا، مطلبی از زنده‌یاد مهندس مهدی بازرگان را با عنوان «روضه‌خوانی» منتشر ساخت. این مکتوب، پیش از این در مجموعه آثار شماره 16، توسط بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان منتشر شده بود.

بنیاد بازرگان، برای اطلاع علاقمندان از اصل مقاله و نیز مطالعه‌ی واکنش مخاطبان این پایگاه اطلاع‌رسانی نسبت به مطلب مورد اشاره، ضمن بازنشر مکتوب مزبور، «کامنت»های خواندنی گذاشته شده برای این مطلب را نیز در ادامه می‌آورد. لینک مطلب در سایت آینده:

<http://www.ayandenews.com/news/22005>

مقاله جالب مهندس بازرگان در دفاع از روضه خوانی

همزمان با برگزاری مراسم مختلف عزاداری، برخی شبکه‌های مجازی با طرح ابهاماتی، شرکت در عزاداری برای مظلومانی که ۱۴۰۰ سال پیش به شهادت رسیده‌اند را زیر سوال برده یا حتی به تمسخر عزاداران می‌پردازند... البته کم محتوا شدن بسیاری از آیین‌های عزاداری و غلبه ظواهر و شور بر معرفت در کنار اقدامات خلاف اهداف روشنگرانه و ظلم ستیزانه اباعبداللّه (ع) توسط برخی مدعیان عزاداری، در تقویت این شبهه‌ها در ذهن جوانان امروز موثر بوده‌اند...



در حالی که همزمان با برگزاری مراسم مختلف عزاداری سیدالشهدا (ع) و شهدای کربلا، برخی شبکه‌های مجازی با طرح ابهاماتی، شرکت در عزاداری برای مظلومانی که ۱۴۰۰ سال پیش به شهادت رسیده‌اند را زیر سوال برده و یا حتی به تمسخر عزاداران می‌پردازند، بازخوانی مقاله‌ای از مهندس بازرگان در واکنش به همین گونه ابهامات که البته به بیش از ۶۰ سال پیش باز می‌گردد، خالی از لطف نیست.

به گزارش خبرنگار "آینده" البته کم محتوا شدن بسیاری از آیین‌های عزاداری و غلبه ظواهر و شور بر معرفت در کنار اقدامات خلاف اهداف روشنگرانه و ظلم ستیزانه اباعبداللّه (ع) توسط برخی مدعیان عزاداری، در تقویت این شبهه‌ها در اذهان جوانان امروز موثر بوده است.

سایت کتابخانه تاریخ اسلام و ایران با اشاره به مجله "ایمان" به مدیریت مرحوم محمود شهابی منتشر می‌شده می‌نویسد: این نشریه طی دو سال، یعنی سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ش منتشر شده و حاوی

مقالات بسیار سودمندی در حوزه دین و ایمان است. این مقاله با نگاه کاملاً نو که محصول يك دوره تحول در اندیشه دینی - شیعی پس از مشروطه است، به نگارش درآمده است. شماری از نخستین نویسندگان مذهبی دوره جدید تاریخ ایران پس از شهرپور بیست در این نشریه قلم زده‌اند. از جمله آن مقالات یکی هم مقاله مهندس بازرگان است که در باره روضه خوانی نوشته است. این مقاله برای شناخت دیدگاه های ایشان آن هم در آن دوره اهمیت دارد. مقاله یاد شده در شماره دهم سال اول (دی ماه ۱۳۲۳) نشریه ایمان منتشر شده است.



روضه خوانی

مهدی بازرگان

در اینجا قصد نداریم تاریخ واقعه کربلا را از سر بگیریم یا از چگونگی و حکمت این شهادت بحثی به میان آوریم. از نتایج اجتماعی و دینی آن نیز چیزی نمی‌گوئیم. می‌خواهیم این عمل روضه خوانی و عادت تعزیه‌داری را که میان شیعیان معمول است و با وجود ضعف عقائد و قوت مخالف هنوز علمش بر پا و آوازش رسا است مطالعه کنیم ببینیم آیا طبقه جوان و متمدن مآب کشور که بنظر تعجب و گاهی تمسخر به آن نگاه کرده این بساط سیاه پوش را ننگی برای جامعه می‌دانند، حق دارند یا راه خطا می‌پیمایند. پس اجازه دهید قبلاً قدری مقدمه بچینیم:

مردم را وقتی درست نگاه کنید خواهید دید اکثر آنها حتی بداندیشان زشت‌کردار در پس چهره خبیث و طبع حریص دارای حس نیک‌خواهی و سرشت کمال‌پرستی پاکی می‌باشند. مادامی که با منافع شخصی درگیرند و به تأمین لوازم زندگانی مشغول آن طبیعت پوشیده است؛ بد می‌گویند، کینه می‌ورزند، حقوق اشخاص را فدای آمال خویش می‌کنند، و بالاخره چون حیوان درنده فاقد هرگونه احساسات لطیف انسانی می‌نمایند ولی وقتی تصادفاً منافع شخصی کنار می‌رود و اتفاق می‌افتد درباره محیط و کسان دور از خود ابراز حب و بغض کنید، آنجائی که پای مال و مقام، اسم و علاقه در میان نیست اگر قضاوتی به زبان رانند یا احساسی در قلب نمایند ملاحظه می‌کنید قضاوتشان ساده و صاف می‌شود، حاضر به تفکر و تأمل شده در تشخیص خوب و بد کمتر تردید یا خطا می‌نمایند. باطناً نیز از عمل ناپسند انزجار داشته طبعاً طرفداری از حق می‌نمایند.

خصوصاً موقعی که موضوع راجع به گذشته یا طرفین دعوی بازیگران يك افسانه باشد، می بینید اغلب اوقات و بلکه همیشه با شوق و حرارت خاصی طرفدار بیگناه و دشمن ظالم می شوند. این نکته را در سینماها چه درباره خود (که البته آدم خوبی هستید) و چه درباره سایر تماشاچیان دیده‌اید. در قصه‌ها نیز به آن برخورد کرده‌اید.

پس در هر کس يك طینت پاک وجود دارد که اصولاً حق جو و حق خواه است. روی این زمینه می بیند در کلیه داستانها و رمانها و فیلمها همه‌جا وصف پهلوانان و مدح نیکان است. هیچوقت آخر داستان به کامیابی مرد لئیم یا سعادت‌مندی زن کریمه ختم نمی شود. همیشه تاج پیروزی را به سر صاحب حسن یا صاحب کمال می نهند و آخر حق را به کرسی می نشانند.

ملل حق‌شناس از تاریخ مدد گرفته، برای بزرگان دانش و پیشوایان فداکار مجسمه‌ها برپا می کنند. جشن صد ساله و هزارساله می گیرند و در کتب و مقالات نام آنها را دائماً بخاطر جوانان می آورند. این مجسمه‌ها و پانتئون‌ها و قصرهای تاریخی و موزه‌های اروپا مگر از این لحاظ چه فرقی با معابد قدیم یا امامزادگان و بقاع متبرک ما دارند؟ در هر دو جا نسل امروز به زیارت بزرگان نسل دیروز رفته يك مشیت احساسات پاک و عقاید و افکار جاویدانی را که در تمام اعصار استوار است می بیند احترام می کند، تقدیس می نماید و می پرستد.

همانطور که برای تقویت عضلات بدن خود را وادار به حرکت و ورزش می نمائیم و فکر ما برای تدبیر امور زندگی محتاج به تعلیم گرفتن یعنی مشاهده و تجربه است، روح انسانی نیز ناگزیر به تحریکات اخلاقی و آشنائی با ارواح بزرگ است تا فداکاریها را ببیند، بسنجد و بیاموزد و چون منظور اصلی کیفیت و نفس عمل است نه عامل آن در هر حال سرگذشت بزرگان خواه به صورت افسانه‌های شعری و میتولوژی باشد و خواه به صورت تاریخ جوانمردی به منزله تمرین درسی دقیق است برای تعلیم بزرگواری.

مگر اساس روضه‌خوانیهای ما غیر از این است؟ به فرض که بر قضایای کربلا شاخ و برگ‌های زیادی بسته باشند یا اصلاً چنین واقعه‌ای در عالم رخ نداده يك تراژدی بیش نباشد، بالاخره چیست؟ تجسم يك مشیت احساسات و فضائلی است که به نظر هموطنان ما پسندیده می آید. سرتاسر تظاهرات حقانیت، شجاعت، شهامت، عزت نفس و بردباری است.

اطاعت و یآوری را که به عالی ترین درجه امکان جمع شده است نمایش می دهد. اصحابی را وصف می کند که نمونه انضباط بوده، اخلاص را به جان بازی رسانده با وجود یقین کامل به کشته شدن و ناکامی دنیا دست از پیشوای خود برنداشته در میدان شهادت بر هم سبقت می جویند. برای انهدام این قوم قلیل که عظمت اراده و بلندی آرمان نیروی فوق‌العاده به آنها بخشیده است حریف هزارها مرد جنگی گسیل داشته.

خانواده‌ای را نشان می دهد که خود مؤسس سلسله بوده، ملت عرب را از حال بردگی و درندگی به فرمانروایی دنیا سوق داده‌اند و حالا به عوض چشیدن میوه ریاست و بهره‌برداری فتوحات دست از عقیده مطلق حق برنداشته با تمام عفت و بزرگی که برای ایشان فرض می شود خود را تسلیم زنجیر اسارت و تفویض شمشیر اهانت می نمایند. در نهایت سختی دست از شکیبائی و عزت نفس بر نمی دارند.

همانطوری که برای شخص نامبرده رنج گنج میسر نمی شود، برای اقوام و ملل نیز هیچوقت ناداده شهید بقاء و عظمت حاصل نمی گردد. تمام افکار بزرگ دنیا با جوهر خون در صفحات قلوب بشر نگذشته شده، سقراط حکیم اگر به دست خود زهر حکومت را نمی نوشید تعلیماتش شهره آفاق نمی شد. نشان صلیب که علامت مشخصه مسیحیت شده، برای آن است که انتشار مذهب عیسی «ع»

را بسته به مصلوبیت او بود؛ گالیله ایتالیایی چون دم از گردش زمین زده حاضر به اقرار جهل نگردید خونش را ریختند. مگر انقلاب کبیر فرانسه و اعلامیه آزادی بشر کم شهید فدائی داد؟ بطور کلی بنای هر ایده بزرگ با استخوان‌های چند قربانی استوار گردیده است، زیرا طبیعت پدر مالدار بخیلی است که نفایس دانش و حقایق حکمت خزینه خود را آسان و رایگان به اولاد خویش نمی دهد. بالای گنج بیکران نشسته خوش دارد کودکانش بسمت او بدون. دست دراز کنند. شادی و شیرین‌زبانی ها کنند. بالاخره محروم برگردند. رنج و محنت برند تا گوشه‌ای از روزنه ذخائر را بنمایاند. دست از مال و جان برداشته دل و دین در راهش ببازند تا در کنار پذیرد. و تا جان شیرین در کف نهند بکف دیگر گوهری نستانند.

این شهادت عالی ترین درجه مردانگی است و گرانبهاترین تحفه زندگان حق است که نام شهید را با تجلیل بریم و روح ما به پرواز در آید. آیا باید خرده گرفت بر کسی که استراحت نفس را کنار گذارده به استقبال مجلسی می رود که در آنجا صحبت صفات عالی وصف افکار پاک شهیدان به میان باشد و خود را خدمتگذار سالکان راه حقیقت بخواند.

به فرض که چنین اشخاص با چنین کیفیات سابقه تاریخی نداشته باشد آیا نظایر چنین احساسات هم در دنیا وجود نداشته؟ بفرض محبت رفتگان آن هم رفتگانی بقول شما مجعول یا بیگانه ناروا باشد و سرگذشت آنها آمیخته با هزاران پیرایه، آیا عشق به کمال و شنیدن کمالات قابل ملامت است؟ چه ضرر دارد سالی چند روز در برنامه اشتغالات فکری انسان مختصر انصراف حاصل شده از تعاقب مطامع مادی به سوی مدارج خالصتری موقتاً انحراف نماید. قدم در علمی غیر از علم خود پرستی و محیطی بالاتر از خواب و خوارک گذارد. اگر اهل شهامت است نمونه‌های بالاتر از خود ببیند. اگر گرفتار محنت است بداند که تألمات شدیدتر هم قابل تحمل است. اگر در دستگاه حکومت عامل ستمکاری است شاید پند گیرد و شرم کند.

خوب حالا کسی که در چنین مجلسی نشست و در مقابل آثار بزرگ روح انسانی حیران گردیده، چند لحظه خویشتن را فراموش کرد و آتش عشقش در اثر دمیدن هوای دوست (همان دوست باطنی طبیعی که در نهاد تمام افراد بشر است و قبلاً اشاره نمودیم) شعله‌ور گشت قلبش بطپیدن درآمد و چشمش نیمی در اثر حسرت نیمی در اثر شوق اشک باریدن گرفت، انسان جاهل موهوم پرستی است؟

و چون نیک به ایام عمر و اطوار جهان نگریسته گذشته و حال را پر از ناملایمات و غرق در جهل و فساد دید و یقین کرد که تنها راه علاج دردهای شخصی و جامعه پیدایش، همان افکار حکومت، همان خصال است؛ فکرش بخطا رفته؟

البته وقتی حس کند چنین علم‌داران عدل و مظاهر علم را (حقیقی یا خیالی) لشکریان دیو سیرت یکی بعد از دیگری با قساوت تمام پاره پاره می نمایند، دلش به درد می آید و جانش می سوزد خصوصاً اگر بیاد نظایر ستم و ناحقی که به چشم دیده و به تن چشیده است بیفتد بنابراین اگر بشر باشد می گیرد و می نالد.

نظرات بینندگان:

خداوند بهتر از هر کسی بندگان خود را می شناسد این جور تحلیل و تفسیرها برای پیشبرد اهداف دنیوی است.

کد: ۱۹۱۳۹۳ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۵:۱۶

وای بر کسانی که می گن بازرگان بی دین و لیبرال بوده

کد: ۱۹۱۰۸۳ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۰:۰۴

خداوند روح بزرگانی مانند بازرگان را بیمارزد

مفسر قرآن، بد نیست شبیه سازی او با ترمودینامیک را هم به نوعی بیاورید

کد: ۱۹۱۰۵۴ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۹:۰۸

من در این چند روز در این مراسم بارها از زبان مردم عادی می شنیدم که در هنگام مهروزه هامی پرسیدند در این

زمان با ظلم و ظالمان چه باید کرد

پتانسیل محرم را برای آزادیگی پاس دارید و خرافه ها را از آن برداییم

کد: ۱۹۱۰۵۲ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۹:۰۷

امیدوارم در آن دنیا دعاگوی ما باشند

ولی مطمئنا اگه الان مهندس بازرگان (ره) زنده بودند با استفاده ابزاری از روضه خوانی که متاسفانه روز به روز داره

بیشتر میشه به شدت مخالفت میکردند

ممنون از اینکه این مطلب رو به اشتراک گذاشتید

اجرکم عندالله

کد: ۱۹۰۹۷۹ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۳:۲۵

بزرگانی چون شریعتی، بازرگان، طالقانی، امام خمینی و علامه طباطبایی ها بودند که این ملک و ملت کهن را از ظاهر

بینی بر حذر داشتند. باید یاد آنان را بر تارک همیشگی تاریخ ایران و شیعه زنده نگه داریم تا در آینده از عاشورا فقط

از تشنگی آل الله و چشم و ابروی حضرت عباس نشنویم و حقیقت جاوید حماسه حسینی را تا قیام قیامت پاس

داریم. البته هیچکدام از کسانی که گفته شد معصوم و بدور از خطا نبودند پس از نقد عقاید آنان نیز غافل نباشیم تا

دچار تعصب کور نشویم. آنان که رفتند کاری حسینی کردند. آنان که مانده اند باید کاری زنبی کنند و گرنه یزیدی

اند. یا علی.

کد: ۱۹۰۹۷۳ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۳:۱۵

خدا ایشون رو رحمت کنه. حیف که قدر نخبگانمون رو از همون اول انقلاب ندونستیم

کد: ۱۹۰۹۶۶ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۱:۵۵

امام حسینی که بازرگان حامی آن باشد به قول استاد اعظم یامین پور بد است و باید حسینی اش را در شب

عاشورا مال هر کس باشد حتی امام با خاك یکسان شود

کد: ۱۹۰۹۶۶ | ۲۷ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۱:۰۵

در زمانی که قبل از انقلاب مهندس بازرگان رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران بود، اتاقی را به عنوان نمازخانه

دانشکده در نظر گرفته بود و به هنگام نماز ظهر خود در آنجا نماز می گذارد. در آنجا بود که آشنایی با افرادی نظیر

دکتر چمران شکل گرفت. خداوند وی را رحمت کند.

کد: ۱۹۰۹۰۷ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۲۳:۱۹

منزل پدری مرحوم مهندس بازرگان در گذر قلی بود. من که در اوایل انقلاب سن و سال زیادی نداشتم و منزلمان در همان حوالی بود به یاد می آورم که آن مرحوم همواره در ایام عزاداری به مراسم روضه خانی منزل مرحوم نخجوانی در همان محله می آمد. روحش شاد که چنین سیاستمداران صدیق و پاکی را تاریخ این کشور کم به یاد دارد.

کد: ۱۹۰۹۰۳ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۰:۲۳

وقتی طرف در مجلسی مذهبی خطاب به یکی از ائمه می خواند که «بهت تك می زنم، اگر جواب ندی پیامك» می زنم و اسم خودش را می گذارد مداح!! دیگر چه انتظاری هست که ما چنین مجالسی را تحویل بگیریم. زمان آقای بازرگان که این قرتی بازیها نبود. شعرها اگر عالی نبود اما خوب بود. اما این شعرهای جدید در مجالس واقعاً مثل موسیقی رپ فقط حال آدم را بد می کند. در سینه زنی طرف نی می زند و یکی هم می خواند «عجب رسمیه رسم زمونه» خوب پدر جون این که شعر عزا نیست که! مزخرفه خودندش اینجا با این نوای نی کذابی! این جوریه که آدم از دین فراری می شه!

کد: ۱۹۰۸۷۶ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۶:۲۱

در پاسخ به کد ۱۹۰۵۷۰ : این که چه کسی بی دین و چه کسی با دین است، کاری است که پیغمبر خدا هم انجام نداد، چه برسد به من و شما در ثانی، شما بهتر است ابتدا راجع به مرحوم بازرگان کمی مطالعه کنید و بعد اینجا نظر بدهید که همین بس که بازرگان از اولین کسانی بود که مساجد را به داخل دانشگاهها برد و کتاب های علمی (که نقد های مختلفی هم بر آن نوشته شده) برای اسلام و قرآن نوشته، اما بدانید که امام بازرگان را از من و شما بهتر میشناخت، وگرنه دولت موقت را به او نمیسپارد، هرچند که دارای اختلاف دیدگاه هایی هم با حاکمیت فعلی داشته باشد. این جمله از آقای حبیبی وزیر امور خارجه سابق رو در برنامه چند سال پیش که برای سالگرد انقلاب بصورت زنده پخش شد رو هیچوقت از یاد نمیبرم که در پاسخ مجری جوانی که سعی در بی دین جلوه دادن بازرگان داشت گفت، بازرگان نماز شبش هم ترک نمیشد.

کد: ۱۹۰۸۲۴ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۳:۲۰

کاش خیر جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری امام حسین که توسط یاران بازرگان در جریان بود را نیز می نوشتید. خداوند رحمت کند آن مرد با تقوا را که از دین وسیله ای برای حکومت نساخت.

کد: ۱۹۰۸۲۵ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۴:۱۹

يك نکته كوچك: گاليله كشته نشد! بلکه مجبور به توبه شد و در ۷۷ سالگی درگذشت.

کد: ۱۹۰۷۸۹ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۱:۱۸

لطفا از افکار این بزرگوار استفاده ابرازی نفرمایید!! ایشان هم اگر امروز بود و این همه خرافات و بدعت را توسط مداحان و واعظان می دید، فریاد می زد.

کد: ۱۹۰۷۸۴ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۴:۱۸

خدایش رحمت کند، پیری بود که در خشت خام آن دید که هنوز بعد از ۳۰ سال خیلی ها در آینه هم نمی بینند!!

کد: ۱۹۰۷۷۱ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۹:۱۷

انشالله با ائمه محشور باشند

کد: ۱۹۰۷۴۴ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۴:۱۷

انسان وقتی افکار بزرگانی چون مرحوم بازرگان؛ شریعتی؛ شهید چمران و.....) را به عینه میبیند و میخواند؛ پی میبرد که مخالفت و دشمنی با آنها به خاطر چیست. پی میبرد که اگر افکار چنین بزرگانی در بین جوانان رواج پیدا کند؛ خیلیها باید بساطشان را جمع کنند.

کد: ۱۹۰۷۲۲ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۶:۲۹

از قضا سرکنگبین صفرا فزود

عیسی مسیح وعده ملکوت الهی داده بود به جاش دستگاه کلیسا اومد
آقاییون وعده عدل اسلامی و حسینی دادند به جاش سعید حدادیان و منصور ارضی اومد

کد: ۱۹۰۷۰۹ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۶:۰۳

البته امروز بازرگان نیست که ببیند در اینجا به دوستانش اجازه برگزاری مراسم عزاداری که سالها برگزار می شود نمی دهند.

کد: ۱۹۰۷۰۳ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۵:۳۵

روحش شاد

واقعا زیبا بود

ولی امروزه خرافات خیلی وارد دین و عزاداری ها شده و=قتی از عزاداری سو استفاده میشه این ابهامات برای نسل جوان پیش میاد

مثلا چند روز پیش یکی از مداحان میگفت ...وقتی اینطور از دین سو استفاده میشه برای جوان ها شبه زیاد میشه مثلا من خودم دیگه شرکت نکردم و حتی گفتم اگه .. ایا اصلا درست هست ؟

کد: ۱۹۰۷۰۳ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۵:۳۵

جالب بود .مگر مهندس بازرگان مسلمان بود!!!!

کد: ۱۹۰۷۰۱ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۵:۳۳

خدایش بیامرزد که پاك بود و پاك اندیشه.

کد: ۱۹۰۶۹۹ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۵:۲۱

آخه مشکل اینجاست که بیشترشون تو مراسم عزاداری گریه می کنند می آن بیرون یادشون میره که تو همین زمان هم حسین داریم زینب داریم...

کد: ۱۹۰۶۹۳ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۵:۱۶

عجب! مگه مهندس بازرگان آن آدم ذاتا بی بصیرت هم مسلمان بود?!!!!!!!!!!!!

کد: ۱۹۰۶۹۱ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۵:۰۹

kheili ziba bood damesh garm

کد: ۱۹۰۶۷۱ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۴:۲۳

ایشان هم اگر در این سالها بودندو روضه خوانی های جدید را میدیدند نظری جز این داشتند ، شك داری آینده؟

کد: ۱۹۰۶۵۴ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۳:۲۷

روانش شاد . چه برخوردها که با شاگردانش و دوستانش نشد !

کد: ۱۹۰۶۴۰ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۳:۴۳

خدا مرحوم بازرگان را رحمت کند واقعا کاش امثال ایشان اداره جامعه را بر عهده داشتند. ای کاش....

کد: ۱۹۰۶۳۶ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۲:۳۵

این مقاله برای حدودا ۶۵ سال پیش است، زمانی که پدر بزرگانمان از پاکبوی صفا و خلوص مردم همچون افسانه ای یاد میکردند.

خیلی دوست دارم نظر مهندس بازرگان رو در مورد عزاداری و روضه خوانی این دوران میدونستم

کد: ۱۹۰۶۱۳ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۱:۳۶

انشالله با ائمه محشور باشند ایشان

کد: ۱۹۰۵۹۶ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۱:۰۱

متن بسیار جالبی بود از دینمداران قدیمی. این تجربه نشان می دهد بهتر است تبعیت از ولایت و محبت ائمه دین مد نظر شما (سایت آینده) هم باشد تا به هیچانی، خطائی اجتماعی سیاسی را رهبری نکند

کد: ۱۹۰۵۹۱ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۰:۴۹

خدا بزرگانی همچون مهندس بازرگان رو بیامرزد.

وقتی در احوالات دینی این مرد بزرگ مطالعه می کنم، به واقع درد های امروز خودمان را می بینم، اما دریغ و افسوس که تفاوت نظرات سیاسی شان مجال بروز و آشکار شدن نگاه نو دینی شان را از جامعه ی بیمار ما گرفته است.

آینده عزیز؛ بابت انتشار این مطلب از شما سپاسگزارم و برای آقای بازرگان و تمامی بزرگانی که در مدت عمر خویش مشغله دین و دنیا ی مردم را داشته اند علو درجات را از خدای متعال خواستارم.

کد: ۱۹۰۵۸۵ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۱۰:۳۷

مشکل مملکت ما افراط و تفریط است

آنقدر در طول سال های پس از انقلاب به ظواهر چسبیدم و از ماجرای عاشورا تنها چگونه شهید شدن امام حسین (ع) را تعریف کردیم که کم کم همه برای چه شهید شدن امام حسین (ع) را فراموش کردند! عزاداری ها و روضه ها خوب است به شرطی که به باطن قضیه به همان اندازه و چه بسا بیشتر اهمیت داده شود.

که اگر نشود همین می شود که الان می بینیم!

کد: ۱۹۰۵۷۳ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۹:۵۷

مثل این که يك زمانی مرحوم مهندس بازرگان بی دین و لیبرال بود.چه شده که حالا به ایشان متوسل می شوید؟ چرا توقع دارید که مردم فریب این ظاهر سازی هارا بخورند.همین کسانی که با پول بیت المال بساط چای و غذای نذری راه انداخته اند همان ها هستند که در زمان لازم عمه جور می شوند و بر خلاف رسالت امام حسین که ظلم ستیزی است به پشتوانه فروختن شرافت به بهای دریافت موقعیت در هر جا به مردم بیگناه هجوم برده و آن ها را به وحشیانه ترین شیوه سرکوب می کردند.چرا از مردم انتظار دارید که به حرکت های شکلی بپردازند.خدایا شکر که مردم بیدار شده اند.مسلمانا آن ها در صورت برخورداری از آزادی خود در مورد نحوه برگزاری سالروز بزرگانی مثل امام حسین تصمیم خواهند گرفت.دست بردارید از این مقصر قلمداد کردن دیگران. کمی هم به خود آید.

کد: ۱۹۰۵۷۰ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۹:۴۷

چقدر زیبا و دلنشین بود. درود بر شما. کاش میشد تمام رسانه های ما در کنار گزارش عزاداری ها تحلیل هایی اینچنین ارائه می کردند تا قیام عاشورا بعنوان سمبل يك حرکت بی نظیر توجه جهانیان را مجذوب خود می کرد. به نظر من اگر فقط يك نفر این نوشته را بخواند شما رسالت خویش را زینب وار انجام داده اید. باز هم درود بر شما که نحوه نگارش و بیان مطالب را با دیدگاهی متفاوت با سایر رسانه ها عرضه میدارید.

کد: ۱۹۰۵۶۹ | ۲۶ آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰۹:۴۳